

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیبین الطاهرین

المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جميع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

بحثی که مطرح شد راجع به باب ضمان در مقبوض به عقد فاسد که اعتبار به يوم الغصب بود، البته ما عرض کردیم الان در مقبوض به عقد فاسد مطرح است لکن اختصاص ندارد و عبارت شیخ را هم خواندیم که شیخ بعد می گوید که عبارت شیخ اختصاص به این بحث ندارد و این را اصولا در دنیای اسلام اساسا در مباحث غصب مطرح کردند، در مباحث غصب هست، در مباحث قرض هست، در مباحث مقبوض به عقد فاسد هست، در مباحث ودیعه و مباحث عاریه و جایی که تعدی باشد و إلی ما شا الله، در مباحث اطلاق هست، انواع مباحث ضمان که مطرح شده است این که آیا اعتبار به کدام ضمان است؟ آیا ضمان غصب یا ضمان تلف یا ضمان ادا، وقتی که می خواهد ادا بکند، این سه تا ضمان اساسی است که در آن مطرح شده است که کدام یکی از این سه ضمان باشد و عرض شد به این که بین اصحاب ما نسبت داده شده هم به اکثرا غصب، شاید به چند تایی از قدما بیشتر به يوم غصب باشد و نسبت داده شده به بیشتر متاخرین و این هم به اکثرشان نسبت داده شده. اعتبار به ضمان يوم التلف است. مرحوم شیخ قدس الله نفسه این جا بحث را روی صحیحه ابی ولاد بردند، یک مقدار روی این صحیحه کار کردند به عنوان این که این روایتی است که خیلی مهم است، هم سندش صحیح است و هم از این که از آن استفاده يوم شده است، يوم خالفته یا يوم ترده، حالا دو قسمتش آمده که ان شا الله عرض می کنم و به قول مرحوم شیخ می فرمایند چون این روایت آثار مهمه ای دارد مخصوصا که این روایت در باب غصب هم وارد شده اما آثاری که در باب ضمان است در کل ابواب ضمان به آن تمسک شده و عرض کردیم و توضیحش گذشت که ای کاش مرحوم شیخ به روایتی که در باب شقص عبد است به آن عمل بکند، آن جا دیگه تصریح يوم اعتق دارد، این روایت خیلی صریح نیست، آن روایت کاملا صریح بود. شیخ متعرض آن روایت نشده و حتی آقایانی که بعد از شیخ آمدند تا آن جا که من حواشی را دیدم متعرض آن روایت نشدند. شیخ یک مقدار زیادی راجع به همین روایت ابی ولاد صحبت میکند چون روایت تاثیرگذار است، اولاً در باب غصب است و ادعا شده که

روایت دلالت بر یوم الغصب دلالت می کند نه یوم التلف، همانی که گفته شده به مشهور هم نسبت داده شده، عرض کردم عده ای هم به اکثر گفتند، خود من هم نشد نگاه بکنم عملا اقوال را در مسئله ببینیم.

یکی از حضار: کتاب های شافعی را نگاه کردم اغلب

آیت الله مددی: در الام تصریح دارد، اعلی القیم را تصریح دارد

این راجع به این قسمت که مرحوم شیخ متعرض شد. ما متعرض قسمت دیگری راجع به خود ابی ولاد شدیم و شرح حال ابوولاد، من یک مقدار از روایات را از کتاب جامع الاحادیث خواندیم. عرض کردیم در این بابی که در جامع الاحادیث است روایتی را از فقیه نقل نکرده که ایشان از فقیه خواندند و در فقیه هم بوده. بعد برای من شبهه شد که دیدم در وسائل هم در این باب نیاورده، در وسائل هم روایت را از فقیه نیاورده. ظاهرا جامع الاحادیث به تبعیت صاحب وسائل در این باب، لکن صاحب وسائل در باب دیگری آورده، ظاهرا ایشان ملتفت نشده، به هر حال ایشان کلا نه در آن باب و نه در باب دیگرش هم نیاورده. به هر حال خوب بود روایت از فقیه آورده می شد اضافه می شد، روایت فقیه را جامع الاحادیث نیاورده. این چند جایی را که من در جامع الاحادیث مراجعه کردم هم جلد ۲۴ و هم ۲۳ و در ۲۴ هم چند جا، در آن جا ظاهرا ایشان روایت فقیه را نیاورده اما در صاحب وسائل چرا در باب دیگه آورده، در باب دیگر آورده لکن به عنوان مثله آورده، کامل نیاورده و شاید توجه نشده، صاحب جامع الاحادیث دقت نکرده. این هم راجع به این روایت.

عرض شد به این که روایت در سندش ابو ولاد است که توثیق شده، عرض کردیم یکی از مشکلاتی که ما اصولا در کتب رجالی خودمان داریم گاهی اختلافی است که ما بین شیخ و نجاشی هست و البته این اختلاف را عرض کردم یک مقدارش بر می گردد به این که اصلا هست یا نیست و یک مقدارش علتش را، علتش را الان تشخیص ما خیلی مشکل است، برای تشخیص خیلی مشکل است. عرض کردیم مرحوم آقای بروجردی قدس الله نفسه قائل بودند که نجاشی ناظر به شیخ است، حرف بدی نیست، این احتمال هست، این احتمال قوی است که عبارات نجاشی ناظر به شیخ باشد و عرض کردیم به این که این عبارتی را که ما این جا خواندیم در حفص ابن سالم در آن جا عبارت شیخ و عبارت نجاشی را آوردند و انصاف قصه این است که دو تا عبارت با هم فرق دارند، ما الان هم نمی دانیم

در حقیقت نکته فرق در حقیقت از کجاست و چرا این فرق پیدا شده است، خود فرق را و مبادی آن را می توانیم بشناسیم، چون یک نکته فنی است، یک نکاتی فنی است که اینها گاهی گفته می شود من این جا تذکر بدهم برای تذکرش مفید است. این فرق هست یعنی انصافا حالا عبارت شیخ را بیاورید، همان معجم حفص ابن سالم را بیاورید. می خواهم با نجاشی مقارنه بشود.

یکی از حضار: حفص ابن سالم یکنی ابی ولاد الحناد ثقة، کوفی، مولی جعفری

آیت الله مددی: اولاً ثقه را نجاشی هم ثقه دارد لکن نجاشی اضافه ای دارد که لا باس به، این خیلی قوی اش نمی کند، حالا این لا باس به استظهار خود نجاشی است، شخص نجاشی است، از مصدر سابقی گرفته الان نمی دانیم، این اختلاف اول.

اختلاف دوم نجاشی گفته مخزومی، شیخ گفته مولی جعفری، بعد نجاشی بعد از این که می گوید و قیل مولی

یکی از حضار: ذکره ابوالعباس

آیت الله مددی: مرحوم نجاشی می گوید این مولی جعفری را ابوالعباس که عرض کردیم در کلمات نجاشی احتمالا مراد ابن عقده یا ابن نوح باشد، البته فرقی این است که ابن نوح استاد ایشان است و ابن عقده استاد ایشان نیست، به واسطه از ابن عقده نقل می کند لکن ظاهرا این جا مراد ابن نوح است، شاید نجاشی می خواسته بگوید شیخ این جا هم اشتباه کرده، گفته جعفری مولی جعفری این عبارت شیخ، چون این مطلب را ابن نوح گفته، عرض کردیم کرارا سابقا که مرحوم شیخ از ابن نوح نقل نمی کند، از اساتید منفرد نجاشی است، اصلا شیخ کلا از ابن نوح نقل نمی کند با این که ایشان را درک کرده، ابن نوح متوفای ۴۰۹ است، شیخ ۴۰۸ بغداد آمده است لکن در ۴۰۹ ابن نوح بصره بوده، شیخ می گوید چون من ندیدم در بصره بود، بعد هم می گوید و حکمی عنه مذاهب فاسده مثل قول به رویت یعنی رویت خدا روز قیامت به اصطلاح، ظاهرا شیخ حالا تعمدا حتی به نحو نامه هم از ابن نوح نقل نمی کند، پس اگر شیخ از ابن نوح نقل نمی کند چرا گفته مولی جعفری؟ این مطلب را فقط ابن نوح گفته، شاید نجاشی نظرش به این باشد، چرا نگفته مخزومی؟ احتمالا نجاشی نظرش به این باشد، مرحوم شیخ گفته له اصل، نجاشی گفته له کتاب، این هم ظاهرا مورد اختلاف است. نجاشی می خواهد بگوید کتاب است، ایشان گفته.

نکته دیگری هم که در این جا باز وجود دارد که البته آقایان ننوشتند خود نجاشی در آخر کتاب در باب کنی اسم ابوولاد را دو مرتبه برده، ابو ولاد الحناد، یعنی نجاشی دو بار ابو ولاد را گفته، یکی حفص ابن سالم و یکی ابو ولاد الحناد و خیلی عجیب است هیچی در ذیل عنوانش ننوشته، فرض کنید شماره ای که برایش زدند ابو ولاد الحناد، هیچی هم ننوشته، دارد، چند مورد دیگه هم در نجاشی است خوب دقت بکنید! موارد دیگری هم در نجاشی است که فقط اسم آورده و هیچی ننوشته، این جا فقط نوشته ابو ولاد الحناد، اصلا هیچی ننوشته و به عنوان دیگری رفته. جاهای دیگر هم دارد که اختلاف دارد اما این جا چیزی ننوشته.

این را بعضی احتمال دادند که نجاشی تکرار کرده است، بعضی احتمال دادند که تعدد باشد، یک بار مثلاً حفص ابن سالم غیر از ابو ولاد باشد، احتمال تکرار دادند. ما عرض کردیم. صندوق هم دو بار اسم ایشان را در مشیخه برده است، یک بار به عنوان ما کان فیه عن حفص ابن سالم، طریقش را آورده و یک بار نوشته و ما کان فیه عن ابی ولاد، طریقش را آورده، حالا من این دو تا را یکمی توضیح بدهم. چون به نظرم مرحوم تستری احتمال داده دو تا باشند، ابو ولاد غیر از حفص ابن سالم یا دو تا ابوولاد است، یکی حفص ابن سالم و یکی کنیه اش هست اما معلوم نیست. حفص ابن یونس هم احتمال داده شده چون گفته شده حفص ابن یونس هم داریم و قیل حفص ابن یونس، بعضی ها هم گفتند دو تاست، ابوولاد ممکن است حفص ابن یونس باشد، حفص ابن سالم هم کنیه ابوولاد باشد، غرض این ک تعددی الان در کتاب مشیخه فقیه وجود دارد، یک تعددی هم در کتاب نجاشی وجود دارد، من سابقاً عرض کردم دقت بکنید تعدد در کتاب رجال شیخ زیاد است، آن خارج از قاعده است، تعدد زیاد دارد. آن هیچی معلوم است که تعدد و تکرار است. حالا سرش هم چیست برای خودش. تعدد در کتاب فهرست شیخ نسبتاً کم است.

در حفص ابن یونس آجری را اضافه کرده است.

تعدد در فهرست شیخ نسبتاً هست اما زیاد نیست مثل رجالش، تعدد در فهرست نجاشی هم کم است، هست اما کم است که دو تا اسم را نوشته، یک جا به اسمش نوشته و یک جا به کنیه اش نوشته.

به ذهن می آید و العلم عند الله با تاملی که در این ها می شود در نجاشی که بعید است تکرار شده باشد، اولاً دلالت بر تعدد مسمی بکند، خیلی بعید است، باید شواهد قوی باشد اما اولاً مال صدوق، مال شیخ که کنار باشد، مال صدوق رحمه الله در این جا ظاهراً مرحوم صدوق رحمه الله، اولاً کرارا و مرارا و تکراراً عرض کردم طرق صدوق در مشیخه از قبیل فهرست نیست، به کتب اشخاص نیست، از قبیل اسناد است، سندش، شیخ صدوق رحمه الله در یک سندی، حالا آن سند به کی بر می گردد و کتاب به کی، روایتی را از حفص ابن سالم نقل می کند، بعد در کتابی که داشته از ابن محبوب ابی ولاد هم داشته، ایشان می آید روی جهت احتیاط آنچه که از کتاب ابن محبوب است به عنوان ابی ولاد نقل می کند و آنچه که از این طریق است به عنوان حفص ابن سالم. اگر در مشیخه دقت بشود طریق فرق می کند، ایشان احتیاط کرده و طریق آورده اما این معنایش این نیست که تعدد باشد، البته احتمال تعدد هم هست، نمی شود گفت نیست، شاید اصلاً طریق کلاً عوض شده است، شواهد موجود ما کلاً حاکی است که شخصی که حسن ابن محبوب از او نقل می کند یکی است، آن هم ابو ولاد حفص ابن سالم است. اما آنی که صدوق به عنوان حفص گفته این سندش از ابن محبوب نیست اصلاً. دیگه حالا بخواهیم این ها را شرح بدهیم طولانی می شود و خواندن عبارت باشد که آقایان مراجعه بکنند. من فقط اشاره می کنم که مراجع بشود.

نجاشی رحمه الله ظاهراً در فهرس اصحاب، چون عرض کردم فهرس را از روایات نگرفتند، مثل فهرست شیخ یا فهرست نجاشی فهرس مبداءش دو تاست، یکی اجازات و یکی فهرس، حالا از بعضی از اسانید هم یک شرحی گرفتند که مرجعش به اجازات است که حالا نیم خواهم توضیح بدهم.

احتمال بسیار قوی دارد که شیخ در فهرس هر دو عنوان را دیده است، یا در اجازات، مثلاً کتاب ابی ولاد، کتاب حفص ابن سالم، البته ایشان شناخته که یک نفر است، من باب الاحتیاط اسمش را ببیند که بعد ببیند شخص دیگری است یا نه، طرق دیگری به او هست، مصدر دیگری هست، چیزی پیدا نکرده ظاهراً همان اسم مانده، ظاهراً این طور باشد، بعید است نکته ای داشته باشد و این که ایشان هیچ عنوانی ذیل آن عنوان نیاورده، هیچ مطلبی نیاورده ظاهراً احتمالاً این عنوان را دیده که بررسی بکند که مثلاً کتاب ابی ولاد بوده و کتاب

متن کامل مطابق با صوت دروس خارج فقه حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

شنبه - ۲۰۲۲/۱۲/۳۱ - ۱۴۰۱/۱۰/۱۰

موضوع: خارج فقه - بیع

جلسه: ۴۹

صفحه ۶

.....
حفص ابن سالم ابی ولاد، ظاهرا این طور باشد، فکر نمی کنم تعددی در بین باشد یا مثلا تکراری در بین باشد، این راجع به عبارت

نجاشی

و صلّی الله علی محمد و آله الطاهرين